

بررسی سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست

هادی ویسی*^۱ و اکبرمجدالدین^۲

استادیار و عضو هیات علمی پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران

استادیار و عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲۰، تاریخ تصویب: ۸۷/۱۱/۳)

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین ماهیت مشارکت کنندگان، زمینه‌های مشارکت و سازوکارهای مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست انجام شد. روش پژوهش پیمایشی و پاسخگویان ۱۵۰ نفر از کارشناسان سازمان حفاظت محیط‌زیست بودند که با روش تصادفی گزینش شدند و داده‌ها با روش پرسشنامه پستی جمع‌آوری شد. برای اطمینان از روایی و پایایی پرسشنامه از میزگرد متخصصان و محاسبه ضریب آلفا کرانباخ پس از تکمیل و جمع‌آوری داده‌های ۲۰ پرسشنامه بهره‌گیری شد. در تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی برای تبیین فرضیات پژوهش بهره‌گیری شد. پرسشنامه با بهره‌گیری از مقیاس پنج تایی، نظرهای کارشناسان محیط‌زیست را بررسی کرد و نتایج نشان داد که رهبران مذهبی، مدیران محلی، آموزگاران و مروجان و مدیران کارخانه‌ها و مدیران مسئول رسانه‌ها دارای بیشترین توان و قابلیت مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست هستند و مهم‌ترین زمینه‌های مشارکت آنان، فعالیت‌ها پیشگیرانه، همیارانه، مدیریت مناطق حفاظت شده می‌باشند. سرانجام در رابطه با سازوکارهای مناسب مشارکت عمومی، یافته‌ها نشان داد که گروه‌های جامعه محلی (تعاونی‌ها)، نشست هم‌اندیشی و مراسم نمادین از اهمیت بیشتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، مشارکت، زمینه‌های مشارکت، سازوکارهای مشارکت

مقدمه

هرچند حفاظت از محیط‌زیست در ایران از دهه ۱۳۵۰ با شکل‌گیری سازمان حفاظت محیط زیست شکل رسمی و نهادینه‌ای به خود گرفته است. خط مشی و سیاست‌گذاری آن نیز بر امر حفاظت و پایه‌گذاری و موجب ایجاد پارک و مناطق حفاظت شده که ذخایر گرانبه‌ای طبیعی هستند شده است (EIA, 2002). اما تداوم چنین خط مشی در دهه‌های پس به رغم افزایش ابعاد حفاظت محیط‌زیست و تنگناهایی مانند افزایش جمعیت که تخریب بیش از پیش منابع و محیط‌زیست و ظهور تنگناهای دیگر را به ارمغان آورده شبیه شده است که امروزه ایران با تنگناهایی مانند تخریب مراتع، چرای بیش از حد، آلودگی آب، آلودگی خاک و هوا .. روبرو باشد که رفع آن عزم و تلاش همگانی را می‌طلبد (Farzan, 2004).

توفیق فعالیت‌های مشارکتی در حفاظت از محیط‌زیست در سراسر جهان، به صورت تقویت نقش مردم به عنوان یکی از سازوکارهای اجرای دستورکار ۲۱ توسعه پایدار و تاکید صریح اصل پنجاهم قانون پایه‌ی بر حق برخورداری از محیط‌زیست سبب شد که ضرورت این عزم و تلاش همگانی و زمینه‌سازی برای تحقق آن احساس گردد که از نتایج آن می‌توان به طرح همیاران محیط‌زیست، طرح طلایه داران، و همچنین شکل‌گیری دفتر مشارکت مردمی در سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۳۷۶ اشاره کرد. آنچه از بررسی و دقت نظر در این فعالیت‌ها بر می‌آید می‌توان به محدود بودن حیطه فعالیت‌های همیاران به اطلاع رسانی از یک سو و مقطعی بودن همیاری آنان از سوی دیگر اشاره کرد به طوری که طرح طلایه داران پس از یک سال کنار گذاشته شده و دفتر مشارکت‌های مردمی نیز در سال ۱۳۸۴ در دفتر آموزش ادغام شود. وجود چنین وضعیتی بیش از آن که ناشی از روندهای سیاسی و مدیریتی کشور باشد، متأثر از نبود یک چارچوب و سازوکار مناسب برای مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد به طوری که چشم‌اندازی از دست

اندرکاران بالقوه و دارای اولویت در برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت آنان، زمینه‌های مشارکت فراتر از اطلاع رسانی، و روش‌های مشارکت مردمی در کشور وجود ندارد. نظر به وجود چنین ضرورتی، این پژوهش با هدف شناخت سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در عرصه محیط‌زیست طراحی و اجرا شد و برای پژوهش این هدف، هدف‌های اختصاصی زیر دنبال شد:

- شناخت دست‌اندرکاران بالقوه مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست در بخش‌های عمومی، خصوصی و دولتی
- بررسی و تعیین زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست
- تبیین روش‌های مناسب جلب مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست در ایران

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

برای تبیین و بررسی سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست پاسخگویی به سه پرسش چه "چیزی"، "چه کسی" و "چگونه" لازم و ضروری است (Bishwakarma, Octeau. 1999, & Nagy et al. 1994). در این چارچوب چه کسی ماهیت مشارکت کنندگان را تبیین می‌نماید، چه چیزی مربوط به نوع و سطح مشارکت است. و چگونه بر شیوه‌ها و سازوکارهای مشارکت عمومی دلالت دارد. در رابطه با این چارچوب پژوهش‌های بیشماری صورت گرفته است به طوری که در رابطه با ماهیت مشارکت کنندگان از نظر پارنل و مورپ (۲۰۰۵) بخش عمومی و گروه‌های اجتماعی نقش مهمی در تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی دارند. اندرسیویچ (۲۰۰۲) سازمان‌های غیردولتی را از گروه‌های دست‌اندرکار مهم برای مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست می‌داند. پرتی و همکاران (۱۹۹۵) و اسوالد و میشل (۲۰۰۰) افرادی را که می‌توانند در مدیریت مناطق حفاظت شده مشارکت کنند، خبرگان و آگاهان، آموزگاران، ارزیابان و مروجان کشاورزی

مشارکت مردمی بیان می‌نماید. شارما و ماسکی (۱۹۹۹) ایجاد جاده‌های سبز در مناطق کوهستانی را از زمینه‌های مناسب برای مشارکت عمومی بیان می‌نماید. و ناجی و همکاران (۱۹۹۴) نیز با تاکید بر تصمیم‌سازی به عنوان یکی از زمینه‌ها و سطوح مشارکت عمومی، تدوین و گسترش سیاست‌های زیست محیطی، تدوین قوانین، صدور مجوزهای زیست محیطی، استانداردهای قانونی، صدور مجوزهای زیست محیطی، تصمیم‌های برنامه‌ریزی محلی و ملی، اعمال و اجرای قوانین، مقررات و مجوزها، خصوصی سازی و شفاف سازی مسایل زیست محیطی را مهم‌ترین اقدام‌هایی می‌دانند که بخش‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی می‌توانند در آن مشارکت نمایند. و در نهایت اکتیو (۱۹۹۹) پنج سطح اطلاع رسانی، ترغیب، مشاوره، همیاری و کنترل را بر روی یک طیف از دموکراسی غیرمستقیم تا دموکراسی مستقیم به عنوان سطوح مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست بیان می‌نماید.

در رابطه با شیوه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست به طور معمول سه دسته از روش‌های انفرادی، گروهی و انبوهی توسط پژوهشگران تعیین و معرفی شده‌اند. به طوری که دیویس (۱۹۹۸) عضویت در کمیته‌های مشاوره-ای ایالتی و موسسه‌های زیست محیطی منطقه‌ای را دو راهکار مهم مشارکت عمومی در حفاظت محیط‌زیست در سطح ملی معرفی می‌نماید. ناجی و همکاران (۱۹۹۴) ضمن اشاره به روش‌هایی مانند تظاهرات، نشست‌های معترضانه، نامه نگاری با مجله‌های و روزنامه‌ها و سیاست‌گذاران، ایجاد سازمان‌ها و انتشار خبرنامه و تک نگاشت‌ها به عنوان مهم‌ترین روش‌های مشارکت عمومی در مسائل محیط زیستی، آنها را در سه دسته انفرادی، گروهی و انبوهی دسته‌بندی می‌کنند.

با توجه به آنچه بیان شد در این پژوهش در چارچوب الگوی بیشواکارما (۲۰۰۲) برای پاسخ به پرسش چه کسی، به تبعیت از ناجی و همکاران (۱۹۹۴)، قاسمی و سعیدی (۱۹۹۹)، پرتی و میشل (۱۹۹۵) و بیشواکارما (۲۰۰۲)

دولتی بر می‌شمارند و در کنار آنان افرادی دیگر مانند، سرپرستان باشگاه‌های محلی، کدخدایان، پرورش‌دهندگان زنبورعسل، زنان، دامداران، جمع‌آوری‌کنندگان گیاهان و غذاهای محلی، ماهیگیران، کشاورزان و مرتعداران را نیز اضافه می‌کند. سلطانی (۱۹۹۹) بر اهمیت و ضرورت مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست اشاره می‌نماید. قاسمی و سعیدی (۱۹۹۹) نیز شوراهای اسلامی را از گروه‌های مهم برای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی بیان می‌کنند. و سرانجام در یک دید کلی ناجی و همکاران (۱۹۹۴) به نقل از بومن و رابرت سه بخش دولتی، غیردولتی و مردمی را دست اندرکاران بالقوه برای مشارکت در تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی معرفی می‌نمایند آنان در بخش مردمی، سازمان‌های غیردولتی را بهترین و موثرترین ابزار برای مشارکت بیان کرده است.

در رابطه با زمینه‌ها و سازوکارهای مشارکت عمومی در حفاظت محیط‌زیست بسته به شرایط مختلف محیطی و موضوعی، تفاوت‌های زیادی بین نتایج بررسی‌های مختلف دیده می‌شود به طوری که؛ ابراهیمی (۲۰۰۱) باز یافت پسماندها و به ویژه جداسازی زباله از مبدا را از زمینه‌های مهم مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست بیان می‌کند. کارسون و بیکر (۲۰۰۵) در راستای تبیین مشارکت مردمی در مدیریت مناطق حفاظت شده، خاطر نشان می‌کنند که راهکار بسیاری از تضادها در این مناطق مشارکت همیارانه بین مردم محلی و کارگزاران دولتی می‌باشد و یک طیف پنج بخشی را برای جلب مشارکت مردم شامل، مشاوره فعالانه، جستجوی آگاهانه، مذاکره و گفت‌وگو، تسهیم اختیار و مسئولیت و انتقال کنترل و مسئولیت به مردم محلی تبیین می‌نمایند. آنان انتقال از مشارکت به صورت مشاوره تا مشارکت به صورت تسهیم اختیار و انتقال کنترل برای تبدیل مدیریت دولتی به مدیریت مشارکتی لازم می‌دانند. اندرسیوج (۲۰۰۲)، اوزینگا (۲۰۰۳) و ویسی (۲۰۰۵) نیز ارزیابی اثرگذاری زیست محیطی را از زمینه‌های مناسب برای